

محمد قوچانی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در گفت و گو با «ایران» تأکید کرد

## اساس اصلاح طلبی؛ گفت و گو با حاکمیت و نمایندگی مطالبات جامعه

افکار روحانی در سیاست خارجی و داخلی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بازتر از بسیاری از دوستان اصلاح طلب است

«**مهرآور خوارزمی**  
خبرنگار حوزه احزاب

احیا و بازتعریف گفتمان اصلاح طلبی و اصلاح ساختار تصمیم گیری و اجماع سازی در این جریان سیاسی محل بحث طیف های مختلف اصلاح طلبان قرار دارد. محمد قوچانی، سردبیر روزنامه سازندگی و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی از جمله کسانی است که با انتشار مقالات مفصّلی در این باره در یک سمت این مباحثه‌ها ایستاده است. پیش از این روزنامه ایران در گفت‌وگو با اصلاح طلبانی همچون حمیدرضا جلالی پور که در زمره منتقدان نظرات قوچانی قرار دارند، به این مباحث پرداخته است. بر این اساس، این گفت‌وگو پیکری نقدهای دیگری است که پیرامون دیدگاه‌های حزب کارگزاران درباره آینده اصلاح طلبی مطرح شده است.

\*\*\*

■ **مقالاتی که شما را ماما قبل در نقد اصلاح طلبی منتشر کرده اید و به تبیین و تعریف جدیدی از اصلاح طلبی رسیده است، با واکنش و نقد بخش دیگری از جریان اصلاح طلبی که به تعبیری خود را جریان اصلی می دانند، مواجه شده است. آنچه شما در حوزه «بهبودخواهی» مطرح می کنید در چارچوب سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی چه نسبتی با اصلاح طلبی که بعد از سال ۷۶ شروع شد، دارد؟**

سؤالتان یک پیش داوری دارد که باید آن را اصلاح کنم. من و برخی دیگر از اعضای حزب کارگزاران بیش از آنکه به نقد اصلاح طلبی بپردازیم، تلاش می کنیم به احیای اصلاح طلبی بپردازیم. این مقالات برخلاف جریان های دست راستی و دست چپ است که نقد اصلاحات را به معنای نابودی از اصلاح طلبی مطرح می کنند و نام آن را تحول خواهی می گذارند. همچنین تشابهی با دیدگاه های بورکرات های که اصلاح طلبی را صرفاً به معنای مشارکت در قدرت می بینند، ندارد. در تمام این متن ها از عنوان اصلاح اصلاح طلبی استفاده شده است. اگر بشود نام نقد هم بر این مطالب گذاشت، مصادق نقد درون گفتمانی است؛ زیرا دوم خرداد و جریانی که پس از آن به وجود آمد از جزوه بیت و تعریف خودمان می دانیم و خودمان را جزو سازندگان و نقش آفرینان ولو کوچک آن. اتفاقاً خطاب ما به همان جریان است که بخشی از اصلاحات اصلی اصلاحات می داند. حال آنکه در جریان اصلاحات چیزی به عنوان جریان اصلی وجود ندارد. فراموش نکنیم که این جریان در سال ۷۶ با اختلاف جریان هایی همچون مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب، دفتر تحکیم وحدت و کارگزاران سازندگی ایران آغاز شد.

در مورد بهبودخواهی هم بنده این واژه را ابتدا به ساکن مطرح نکردم. بهبودخواهی را اولین بار آقای علوی تبار مطرح کرد. من بهبودخواهی را جایگزین اصلاح طلبی نمی دانم. بلکن آن را یکی از اهداف و معانی اصلاح طلبی می دانم. ■ **در فضایی که اصلاح طلبان بعد از موفقیت های انتخاباتی پیاپی از ۹۲ تا ۹۶ با یک شکست چند بعدی مواجه شده اند تأکید بر بهبودخواهی به عنوان یکی از اهداف اصلی اصلاح طلبی با هدف تقویت ارتباط جریان اصلاحات با حاکمیت است یا به نوعی ترمیم کننده رابطه اش با بدنه نظامی؟ جایی در تبیین نظرانتان گفته اید که باید حاکمیت های اجتماعی نظیر جنبش زنان، کارگران و... را به خودشان واگذار کنیم. اصلاح طلبی مورد نظر شما قرار است مطالبات چه افشاری را نمایندگی کند؟ می دانیم که اصلاحات براساس مطالبات طیفه متوسط جامعه شکل گرفت. اگرچه در نهایت اصلاح طلبان نتوانستند به خواسته های آنها چنان که باید پاسخ دهند. اما الان رابطه میان اصلاح طلبی و طبقات فرودست و ضعیف جامعه نیز موضوع بحث قرار گرفته است. بهبودخواهی مورد نظر شما به مطالبات کدام یک از این افشار پاسخ خواهد گفت؟**

بعضی دوستان ما از اصلاح طلبی جامعه محور صحبت و سعی می کنند به آن رنگ و بویی بدهند که گویی تا به حال در جریان اصلاحات به جامعه بی توجهی شده است. بعضی هم از توجه به افشار فرودست سخن می گویند

و ببنیانهای چپگرایانه می دهند. از نظر ما ولی اصلاح طلبی تعریف، تاریخ، ریشه و مبنا و راهبرد مشخص دارد. سال ۷۳ اصلاح طلبی به این معنا وجود نداشت اما یک جریان چپ اسلامی یا جریان خط امامی بود که تمام این دغدغه ها درباره مستضعفین و طبقات محروم جامعه در گفتمانش مطرح بود. در مقابل هم جریان راست سنتی که شامل گروه هایی نظیر حزب مؤتلفه اسلامی و جامعه روحانیت مبارز بود قرار داشت؛ دوگانه اسلام پابرنگان و اسلام ثروتمندان. حالا اگر دوستان می خواهند به آن تعبیر اسلام پابرنگان برگردند، مسأله ای نیست؛ می توانند برگردند. البته آن گفتمان الان نمایندگان بهتری دارد، مانند جنبش عدالتخواه.

در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی به واسطه اصلاحات اقتصادی که انجام شد طبقه متوسط فرهنگی شکل گرفت. طبقه ای که از حاصل زحمت کار خود درآمد متوسطی داشت و به سینما، مطبوعات و کتاب توجه داشت. منتها به نظر می رسد در دوره آقای هاشمی به علّی و سلاطین سیاسی این طبقه توجه کافی نشد. حداقل آن طبقه چنین تلقی داشتند و به همین دلیل زمینه ظهور جریان اصلاح طلبی پیدا شد.

جریان اصلاح طلبی آن موقع که گفت من نماینده طبقه متوسطم منظورش این نبود که به محروم ها و به عدالت توجه نمی کند. بلکه روش های دهه های ۶۰ و ۷۰ را در دست یافتن به عدالت مؤثر نمی داند. مخالفت با سرکوب قیمت دلار برای آنکه داشتن آن در قیمت ۷ تومان برای یک دوره طولانی و پرداخت مابه التفاوت آن از جیب بیت المال نگاه لیبرالی نبود بلکه عدالتخواهانه بود.

نماینده گی کردن طبقه متوسط ناسزا نیست زیرا این طبقه طبقه ای مترقی و در اندیشه یک زندگی بهتر است. حالا اگر دوستانی می خواهند در این باره تجدید نظر کنند بسط الله. اما آن طور که من به یاد می آورم و از تاریخ اصلاح طلبی بر می آید، جریان اصلاحات همواره لولا و واسطه ای میان حکومت و جامعه و طبقات مرفه و فقیر بوده است.

در مورد جنبش ها هم من نگفتم که جنبش ها را رها کنیم. بلکه گفتیم کارویژه جنبش های اجتماعی با کارویژه احزاب سیاسی متفاوت است. اگر ما جنبش کارگری را به یک جنبش سیاسی تبدیل کنیم که می خواهد صندوق رای ما را پر کند و بعد برود در خانه اش بنشیند، هم به جنبش کارگری خیانت کردیم و هم به حکومت گفته ایم که جنبش کارگری را بزن. جنبش اصلاحات قطعاً به لحاظ گفتمانی باید از حقوق زنان دفاع کند و برای تدوین قوانینی در جهت بهبود شرایط آنان تلاش کند. در مورد مشارکت جوانان نیز قرار بر این بود که جنبش اصلاحات به تغییر نسل در قدرت کمک کند. اما حالا جنبش دارد به یک بوروکراسی منجمد تبدیل می شود.

می خواهم بگویم که اصلاح طلبی یک جنبش سوسیالیستی نبود. اما این طور نبود که ضد کارگری باشد. بلکه ما می گفتیم باید جریان کارآفرینی در کشور راه بیفتد. همه حرقم این است که بهبودخواهی هیچ تضادی با اصلاح طلبی ندارد بلکه جزء مهم و هدف اصلاح طلبی است.

■ **گمانه زنی هایی مطرح می شود مبنی بر اینکه سمت و سوی جدید حزب کارگزاران به سمت تعامل بیشتر و رابطه قوی تر با حاکمیت است، البته این گزاره به خودی خود نمی تواند جای بحث داشته باشد. اما بالاخره در برخی موضوعات ساخت قدرت نسبت به مطالبات اصلاح طلبانه سخت عمل می کند. شاید اگر بخواهید با آن تعامل بیشتری داشته باشید ناچار شوید چنین مطالباتی را کنار بگذارید و نمایندگی نکنید. آیا کارگزاران به دنبال نوعی بازتعریف رابطه خود با حاکمیت است؟**

من نمی دانم نشانه ها و آمارهای این گمانه زنی ها از کجا آمده است. بخصوص که مطرح کنندگان آن را خیلی تندرو و رادیکال تر از سؤال شما و بیشتر در قالب یک اتهام مطرح کرده اند. اما در سطح همین اساس اصلاح طلبی تمایل گفت‌وگو با حاکمیت و نمایندگی کردن مطالبات جامعه و پیشبردن آنها در این گفت‌وگو است. کاری که قرار است با روش های مسالمت آمیز و در طول زمان انجام شود. ما که هیچ جریان انقلابی

نیستیم. چیزی که با عنوان اصلاح طلبی شناخته شده به معنای رایزنی، گفت‌وگو و مذاکره و تلاش برای به دست آوردن یک اجماع است. البته این به معنی عدول از اصول نیست. بحث ما با کسانی نیست که این ساختار را دیگر جوابگوی آن اصلاحات نمی دانند. اگر چه ما هم نسبت به ساختار ایرادهایی داریم. زیرا معتقدیم با این قانون اساسی امکان تراجم قوا به صورت بسیار جدی وجود دارد. چنانکه الان پیش هر کدام از رؤسای قوا بروید می گویند قوه دیگری نمی گذارد

کار پیش برود. اما اگر کسی به ساختار دیگری به غیر از جمهوری اسلامی ایران فکر کند اصلاح طلب شناخته نمی شود. ما قرار است در مواجهه با حاکمیت و هستنه اصلی قدرت به یک تصمیم مشترک برای بهبود شرایط زندگی مردم برسیم. منظور از این زندگی بهتر هم این نیست که بگوییم زن ها در خانه بمانند و با آنها مهربانی نکنند یا جوان ها را دوست داشته باشیم. خیر، ما حتماً باید با تبعیض جنسیتی مقابله جدی کنیم و به فکر قانونگذاری در این زمینه باشیم. اگر قرار باشد کارگزاران زندگی تشکیل دولت بدهد اما برنامه های حزب مؤتلفه را پیاده کند، این مرگ کارگزاران است.

بنابراین اینکه بگویند ما به دنبال تعامل با حاکمیت برای گرفتن پست و قدرت هستیم بی تردید اشتباه است.

■ **یکی از برداشتهای که از دیدگاه های مطرح شده از سوی اعضای کارگزاران**

توسعه منحصربه به رشد اقتصادی نیست؛ اما از رشد اقتصادی شروع می شود. چنانکه موتور محرک جنبش اصلاحات را باید در پایان جنگ، پایان دولتی بودن اقتصاد و ایجاد گشایش هایی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و فراهم شدن شرایط تنفس طبقه متوسط جستجو کرد.

در دهه ۷۰ اول یک طبقه متوسط جدید در جامعه به وجود آمد، بعد این طبقه رایش را به صندوق انداخت و از درون صندوق سید محمد خاتمی بیرون آمد و حتی بر جریان مقابل خودش اثر گذاشت. آنقدر که دیگر چیزی به عنوان راست سنتی معنا ندارد. علی لاریجانی برخاسته از آن جریان سیاسی دیگر راست سنتی نیست. حتی آقای قالیبای و دیگران که می گویند ما تکنوکرات انقلابی هستیم در واقع دچار تحول شده اند.

بنابراین اگر کارگزاران از اولویت توسعه اقتصادی دفاع می کند اتفاقاً به یک مضمون سیاسی اشاره دارد.

جامعه ایران برای یک تغییر و تحول اساسی نیازمند پیش فرض هایی است که خیلی بالاتر از دعوی ما با فلان نهاد حاکمیتی است. ایده کارگزاران این است که جامعه ای که در آن توسعه به وجود بیاید عدالت هم در آن شکل خواهد گرفت؛ عدالت مبتنی بر توزیع ثروت و نه توزیع فقر. فرض ما این است که اگر نمی توانیم با عدالت برابر بر سر قانون انتخابات به تفاهم برسیم دست کم بایسیم بر سر اصلاحات ساختاری در



محمد قوچانی

■ **مشخص تان برای بازسازی و اصلاح آن چیست؟**

کارگزاران جزو احزابی است که به طور خیلی مشخص راجع به این موضوع پیشنهاد دارد. چنانکه در مقاله اصلاح اصلاحات به سه بحث تبارشناسی، اصلاح ساختار و بازبانی گفتمان پرداخته ام. از حیت تبار شناسی برخلاف بعضی دوستان که خودشان را نقطه آغاز تاریخ اصلاح طلبی می دانند ما معتقدیم که انتخاب آقای خاتمی نقطه اوج بروز جریان اصلاح طلبی بوده است و نه آغاز آن. در باب گفتمان هم ما بهبودخواهی را جزو اهداف اصلی اصلاحات می دانیم و اصلاح طلبی را مساوی با فرصت طلبی و قدرت طلبی نمی دانیم. بنابراین اینگونه نیست که بگویم اگر رئیس مجلس به جای آقای لاریجانی آقای عارف می شد اصلاح طلبی پیروز بود.

دوستان اصلاح طلب ما می گویند دیگر نامزد اجراهای نمی خواهیم. حال آنکه به باور من آقای روحانی از خیلی از اصلاح طلب ها اصلاح طلب تر است. روحانی در سیاست خارجی، سیاست داخلی، اقتصاد و مسائل فرهنگی و اجتماعی بسیار بازتر از بسیاری از دوستان اصلاح طلب است. کافی است ایشان را با آقای محتشمی مقایسه کنید. نمی شود چون آقای محتشمی منسوب به جناح چپ است او را اصلاح طلب بدانیم و روحانی را چون از جناح راست برآمده، اصولگرا و نامزد قرضی. اما در مورد

■ **این روزهایکی از بحث های جدی کوچک شدن سید آران اصلاح طلبان است. موضوعی که به شکل مصداقی خودش را در کفرای فهرست کارگزاران برای انتخابات مجلس نشان داد. برای ترمیم بدنه اجتماعی اصلاح طلبان در قدم نخست برای توسعه سید رای حزب متبوع تان چه برنامه ای دارید؟**

به پای صندوق آوردن مردمی که اصلاح طلبان آنها را از صندوق ناامید کردند کار خیلی سختی است. ما می دانستیم که رای نمی آوریم. فقط حلقه اتصال را با حاکمیت حفظ کردیم تا این حلقه وجود داشته باشد. بالاخره اصلاح طلبان اگر می خواهند سال آینده نامزد ریاست جمهوری معرفی کنند باید با حاکمیت در ارتباط باشند. رئیس جمهوری آنها باید بتواند با حاکمیت کار کند. پایگاه و سبد رای ما اصلاح طلبان مشترک است. وقتی تخریب شد، مردم به هیچ کس رای نمی دهند. حتی اگر آقای خاتمی هم پیام بدهد. اما سیاستمدار از چیزی که نباید بترسد، شکست است. باید از آقای قالیباف یاد بگیریم که سه بار در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورده و باز هم احتمالاً برای ریاست جمهوری آینده نامزد شود. اصلاً ممکن است هیچ وقت رای نیاوریم. می رویم کار گفتمانی مان را می کنیم. اما رای آوردن ما زمانی است که یک بار دیگر موفق بشویم دولت تشکیل بدهیم. تا اطلاع ثانوی مهم ترین نهاد کشور دولت است. ما اگر بخواهیم نتولیرال باشیم بخش خصوصی را تقویت کنیم و از دولت عبور کنیم. باید یک بار دیگر دولت، مجلس و شهرداری را بگیریم و به مردم ثابت کنیم که کار می کنیم برایشان و شرایط زندگی شان را چه به لحاظ اقتصادی چه سیاست خارجی بهبود می بخشیم. راهش این است که به حاکمیت ثابت کنیم نمی خواهیم برانزای کنیم. باید دوباره پایگاه اجتماعی مان را پدید کنیم و بدانیم که دیگر با توسل به سلیبتری های دوقطبی سازی بد و خوب نتیجه نمی گیریم. باید خودمان را به مردم ثابت کنیم و با فساد از هر نوع در جریان خودمان مقابله کنیم. من اصلاً با حوزه خصوصی آقای نجفی کاری ندارم اما معتقدم اثری که تراژی آقای نجفی بر رای مردم در انتخابات مجلس گذاشت، از این بزرگ کمتر نبود.

می شود نوعی تبلیغ برای تمرکز بیشتر اصلاح طلبی بر مسائل اقتصادی است. آیا پیشنهاد و راهبرد مشخصی برای حل این راهسش را اصلاح طلبی دانست یا نه؟ آیا این به نفع مردم هست یا نه؟ این روند در مورد بعدی می تواند منجر به یک اصلاح سیاسی و اجتماعی شود. منتها متأسفانه اجماع وجود ندارد. وقتی مجرای بنزین اتفاق می افتد از چپ ترین چپ ها تا اصولگرترین اصولگرایان به دلیل یوپولیسیزاسیون می کنند. زیرا نمی خواهند هزینه این اصلاح ساختاری را پرداخت کنند. در حالی که گرانی بیش از آنکه حاصل افزایش قیمت بنزین در دولت دهم ناشی از تحریم ها و سوء مدیریت باطل شده بود چیزی با عنوان شورای مشورتی اصلاحات پیرامون آقای خاتمی تشکیل دادند. آن ساختار چون شخصیت حقیقی بر شخصیت حقوقی غالب بود قابل دوام نبود. دوستان هم خدا را شکر

در سیر تبدیل شورای هماهنگی گروه های خط امام به شورای هماهنگی اصلاح طلبان و بعد ها شکل گیری شورای عالی سیاستگذاری ایراد هایی وارد بوده است. از جمله اینکه احزاب نیمه فعال و غیر فعال و فعال همه با هم مساوی هستند. در دوره ای نیز احزابی که خود را جریان اصلی می دانستند و مجوزشان باطل شده بود چیزی با عنوان شورای مشورتی اصلاحات پیرامون آقای خاتمی تشکیل دادند. آن ساختار چون شخصیت حقیقی بر شخصیت حقوقی غالب بود قابل دوام نبود. دوستان هم خدا را شکر در دولت روحانی مجوز حزب گرفتند و بعد ساختار تبدیل شد به شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان. پدیده ای که نه دستور می پذیرفت و نه دستور می داد. الان برای اصلاح ساختار شورا دو موضوع مورد در نظر داشت. پیشنهاد

■ **دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۹**  
■ **سال بیست و ششم**  
■ **شماره ۷۳۶۴**

راهکار وجود دارد. یک راهکار دراز مدت این است که احزاب اصلاح طلب بر مبنای سابقه و کیفیت و کمیت وزن کشی کنند و وزن رای شان در شورا با مضرب های ۱ یا ۲ یا ۳ مشخص شود. در چنین ساختاری مساوات سوسیالیستی نیست اما عدالت برقرار است. همچنین باید به وجود احزاب موازی پایان داد. یعنی نباید کسی که در حزبی عضو است عضو حزب دیگری باشد و شاهد احزاب نیابتی و چند نفره باشیم. احزاب می توانند با یکدیگر متحد شوند و بلوک های حزبی تشکیل دهند آنوقت چیزی بین ۵ تا ۱۰ حزب خواهیم داشت.

مواضع این تشکیلات هم نباید مواضع محتوایی باشد. بلکه مواضع روشی است. یعنی ما بر مبنای استراتژی با هم متحد می شویم و نه بر مبنای ایدئولوژی. ما یک مانیفست اصلاح طلبی را پذیرفته ایم که پذیرفته ایم که اصلاح طلبی یعنی حرکت تحول خواهانه بهبودخواهانه و توسعه گرایانه در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شیوه مسالمت آمیز و صلح جویانه و مشارکت در انتخابات به تناسب شرایط هراتخابات.

بنابراین، این تشکیلات قرار نیست بیابنه بدهد بلکه ساختاری است برای حل مشکلات. چنانکه در احزاب جمهورخواه یا دموکرات امریکایک سال مانده به انتخابات ریاست جمهوری از چپ ترین تا راست ترین نامزد می شوند می آیند در درون تشکیلات شان رای گیری می کنند و کسی که بیشترین رای را دارد پایگاه رای و گفتمانش را می ستند.

پیشنهاد ما این بود که مجموعه ای ملاح ۶۰۰ نفره باشد و برای احزاب، ان جی اوها، روشنفکران و... سهمیه تعیین شود. این طور نباید که هر کسی از کنار شورا عبور کرد به عضویت در بیاید. مبنای ساختار باید شکل یابی باشد. اگر این شکل یابی شفاف صورت بگیرد نهادهای امنیتی هم می توانند اسودگی خیال داشته باشند که جریان شفاف و روشن است.

■ **اگر تا انتخابات ۱۴۰۰ اصلاح ساختاری مطلوب صورت نگیرد دولت ایجاد نشود در انتخابات آینده چه می کنید؟**

باید سؤال کنیم که چرا کار اصلاح ساختار شورای سیاستگذاری را اینقدر به تأخیر انداختند. امروز در حالی بر مزار مجلس دهم مویه می کنیم که بارها گفته بودیم فرانسوین اصلاح طلبان در مجلس باید تشکیل شود و با رئیس دولت اصلاحات ارتباط تشکیلاتی داشته باشد. آقای خاتمی باید از آنها حساب کشی می کرد. در انتخاباتی نیابتی و انتلافی وقتی شما از کسی حمایت می کنید یک توافق است که باید مشخص باشد بر اساس آن چند وزیر در کابینه دارید یا قرار است چه طرح ها و مسیتمت هایی در مجلس مطرح شود. ما نشده است. وی افزود: گفت وگوها و رایزنی ها از طریق دولت سوئیس منجر به آزادی شد. اگر امکان مبادله وجود داشته باشد و این آمادگی را داریم مابقی افرادی که در زندان محبوس شده اند یا در زندان معتدله وجود داشته باشد، ما این آمادگی را داریم موسوی درباره ادعای مطرح شده از سوی دولت تل ترامپ سب از آزادی مایکل وایت مبنی بر آمادگی مذاکره با ایران گفت: مسائل داخلی امریکا چندان برای ایران مهم نیست.

■ **در بین صحبت های تان نوعی نقش نظارتی برای آقای خاتمی تعریف کردید به جای نقش رهبری...؟**

اینکه این واژه رهبری اصلاحات که بنابر می پریم را خود آقای خاتمی می پذیرند یا نه نمی دانم اما معتقدم ایشان مؤسس جبهه اصلاحات است. یک سرمایه فردی که کمتر به دست می آید و باید به یک سرمایه اجتماعی تبدیل شود. آقای خاتمی رهبری یک گفتمان را در کشور بر عهده دارد. تمام حرف ما این است که آقای خاتمی فقط رهبر حزب اتحاد ملت نیست رهبر کل

سیاستگذاری ایران باید باشد. ■ **اینکه گفته می شود که کارگزاران ممکن است در انتخابات آینده با نیرویی مانند علی لاریجانی یا به میدان بگذارند تاجه حدصحت دارد؟**  
ما در کارگزاران در هیچ مصاحبه و سخنرانی صحبت از رئیس جمهوری آقای علی لاریجانی نکرده ایم. من در مصاحبه با نشریه مثلث گفتیم انتخابات ریاست جمهوری باید مانند انتخابات ما بناتویم فردی مانند آقای جهانگیری یا آقای محسن هاشمی را نامزد کنیم و طیف مقابل هم مان آنقدر عاقل باشد که لاریجانی را نامزد نکند. اگر این اتفاق بیفتد یک رقابت هدفمند در کشور رخ می دهد.

روایت یک طرفه از تبادل زندانیان

■ **خبر اول اینکه**، علی اکبر رشاد، رئیس شورای سیاستگذاری حوزه های علمیه استان تهران، از تبادل زندانیان بین ایران و امریکا انتقاد کرد. به گزارش انتخاب، وی با بیان اینکه قدرت امریکا در حال افول است، «بزرگ کردن سیمای وحشی امریکا و توجیه جنایات اخیر» را از سوی برخی افراد داخلی تأسف بار دانست و افزود: متأسفانه برخی مسئولان با بدسلیقگی یا احياناً سوء نیت مرتکب بعضی رفتارها می شوند که به نفع امریکا تمام می شود. رشاد ادامه داد: «برای مثال در شرایط موجود که ترامپ تحت فشار قرار گرفته و در انزوا است چرا باید مایکل وایت افسر نیروی دریایی و جاسوس امریکا به هر بهانه ای آزاد شود و اینگونه به داد ترامپ برسند و او بایاد و در توثیت خود از مسئولان کشور ایران تشکر کند و شعار پیروزی سر دهد که من به سازش و تسلیم ایران امیدوار هستم و آزادسازی فرد را چراغ سبز برای خود تلقی کند.» البته آقای رشاد اشاره نکرد که مایکل وایت آزاد نشده بلکه تبادل شده و در مقابل آزادی او، مجید طاهری پزشک ایرانی و سپروس عسگری استاد دانشگاه ایرانی هم از زندان های امریکا آزاد شده اند.

■ **اعتبار نامه تاجگردون هنوز تعیین تکلیف نشده**

■ **خبر دیگر اینکه**، به گفته نایب رئیس اول مجلس، اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون منتخب گچساران در مجلس یازدهم هنوز تعیین تکلیف نشده است. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، امیرحسین قاضی زاده هاشمی تصریح کرد: اعتبارنامه حسین محمدصالحی، منتخب مردم چادگان، فریدون، فریدون شهر و کاظم دلخوش منتخب مردم صومعه سرا در شعبه ۱۰ بررسی و تأیید شد. وی افزود: بررسی اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون، منتخب گچساران ادامه دارد و هنوز تعیین تکلیف نشده است. دیروز البته علیرضا سلیمی، عضو هیأت رئیسه مجلس هم از نامه شورای نگهبان به مجلس در همین باره خبر داد و به فارس گفت: شورای نگهبان در نامه ای به مجلس تصریح کرده که درباره اعتبارنامه منتخبین فریدون و صومعه سرا مدارکی که امروز در اختیار مجلس قرار دارد در زمان تأیید صلاحیت ها در اختیار شورای نگهبان نبوده است. براساس این نامه مدارک مربوط به منتخب گچساران در زمان بررسی صلاحیت فرد مورد نظر در اختیار شورای نگهبان نیز قرار داشته است. سلیمی با اشاره به نشست دیروز هیأت رئیسه افزود: با بررسی این نامه مقرر شد تا شعبه برای بررسی این نامه تشکیل جلسه دهد.

■ **توصیه های جامعه مدرسین به قالیباف**

■ **شندید که**، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در نامه ای به رئیس مجلس با امضای آیت الله محمد یزدی، با تریک انتخاب محمدباقر قالیباف به ریاست مجلس، توصیه های چندگانه ای را مطرح کرده است. به گزارش فارس، در این نامه با اشاره به اهمیت مقولاتی همچون مبارزه با فساد و رعایت شرع در قانونگذاری و استقلال مجلس آمده است: با تقویت نظارت بر عملکرد نهادهای متولی فرهنگ، برای رفع لغزنگاری فرهنگی و بی اهتمامی به امر فرهنگ گام بردارد و برای ترویج معارف دینی و فرهنگ متعالی اسلامی، صریح و انقلابی تصمیم بگیرد. در این میان آسیب های اجتماعی همچون اعتیاد، طلاق، حاشیه نشینی و چالش های فرهنگی و اجتماعی مربوط به حجاب، فضای مجازی و مانند اینها نیازمند تدوین قوانینی پایدار و راهگشاست.

■ **معرفی علی دیواندری متهم پرونده اخلال در نظام اقتصادی به زندان**

■ **دست آخر اینکه**، علی دیواندری و دیگر محکومان پرونده اخلال در نظام اقتصادی کشور به زندان معرفی شدند. به گزارش ایلنا، در اجرای حکم صادره از سوی شعبه اول دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاگران در نظام اقتصادی، در مورخ ۱۳/۳/۱۳۹۷ محکوم علیم علی دیواندری فرزند علی، بهروز مختاری فرزند غلامعلی، مهدی فلاحتیان فرزند اصغر، حسین ابوالحسنی فرزند علی اکبر و اسماعیل احدی فرزند صفی الله به زندان معرفی شدند.

سخنگوی وزارت خارجه:

■ **آماده مبادله بقیه زندانیان با امریکا هستیم**

سخنگوی وزارت امور خارجه از اقدامات سوئیس در آزادی شهروندان در بند ایرانی از زندان های امریکا قدر دانی کرد و گفت: اگر امکان مبادله زندانیان وجود داشته باشد، ما این آمادگی را داریم مابقی افرادی که در بند امریکا هستند را آزاد کرده و به کشور بازگردانیم.

سید عباس موسوی در گفت وگو با ایرنا با بیان اینکه دستگاه دیپلماسی برای آزادی شهروندان ایرانی تمام تلاش خود را انجام داده است، عنوان کرد: به کمک دولت سوئیس این مبادلات انجام شده و این کشور مذاکره در این رابطه را برعهده داشت وگرنه هیچ مذاکره مستقیمانی در میان جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده انجام نشده است. وی افزود: گفت وگوها و رایزنی ها از طریق دولت سوئیس منجر به آزادی شد. اگر امکان مبادله وجود داشته باشد و این آمادگی را داریم مساکان در طرف امریکا وجود داشته باشد، ما این آمادگی را داریم مابقی افرادی که در زندان محبوس شده اند یا در زندان معتدله وجود داشته باشد، ما این آمادگی را داریم موسوی درباره ادعای مطرح شده از سوی دولت تل ترامپ سب از آزادی مایکل وایت مبنی بر آمادگی مذاکره با ایران گفت: مسائل داخلی امریکا چندان برای ایران مهم نیست.

■ **آنچه برای جمهوری اسلامی ایران مهم است، عمل دولت های مختلف امریکاست. متأسفانه در سال های اخیر و حتی در گذشته، عملی که موجب شود ملت و دولت ایران اعتمادشان جلب شود، مشاهده تکریدیم. وی با**

بیان اینکه دیوار بی اعتمادی هنوز بین ایران و امریکا وجود دارد، اظهار داشت: ترامپ مسأله داخلی خود را دارد. انتخاباتی بحث داخلی امریکایی ها است و ایران هم هیچ گاه منتظر تحولات داخلی امریکا و نتایج انتخابات ریاست جمهوری این کشور نبوده و نخواهد بود. این دیپلمات ارشد با تأکید بر اینکه ایران هیچ گاه میز مذاکره را ترک نکرده است، تصریح کرد: ایران در قالب مذاکره با گروه ۵+۱ با طرف های مختلف در ارتباط بود اما این امریکایی ها بودند که با خروج از توافق هسته ای، میز مذاکره را ترک و تعهدات خودشان را در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد نقض کردند. موسوی با بیان اینکه فکر نمی کنیم با ماندن یا رفتن ترامپ در ریاست جمهوری تحول خاصی رخ دهد، خاطرنشان کرد: گفتار درمانی برای ایران اصلاً مهم نیست. برای ایران عمل امریکا به تعهداتش اهمیت دارد که امریکا به آن پایبند نبوده است. وی ادامه داد: شرطی از سوی مقامات عالی ایران بیان شد، مبنی بر اینکه اگر امریکا توبه کند و به برجام برگردد، خسارت هایی که به ملت ایران زده را جبران کند و تحریم های ظالمانه را برارد، آنها می توانند به چارچوب برجام و گروه ۵+۱ بازگردند.